



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



اسرائیل اهداف بلندپایه‌تر سپاه را در سوریه هدف قرار می‌دهد

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی (ایرنا) گزارش داده است که در یک حمله منتسب به اسرائیل یک نیروی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران دو فرد دیگر در سوریه کشته شده‌اند. ایرنا خبر داده است که رضا زارعی، یکی از اعضای سپاه پاسداران است و «بامداد جمعه توسط رژیم غاصب صهیونیستی» در شهر بندری بانیا به قتل رسید. خبرگزاری ایرنا نوشت: «رضا زارعی از پاسداران منطقه یکم نیروی دریایی سپاه و از مستشاران نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده که به همراه ۲ تن از نیروهای حزب‌الله در حمله جنگنده‌های اسرائیلی به بانیا واقع در سوریه به شهادت رسید.»

گروه موسوم به دیده‌بان حقوق بشر سوریه این خبر را روز جمعه تأیید کرد. براساس گزارش دیده‌بان حقوق بشر سوریه، سه انفجار مرکز شهر بانیا را در سواحل مدیترانه‌ای سوریه روز جمعه لرزاند. این گزارش مدعی می‌شود که در این حمله یک ویلا که متعلق به «یک گروه منتسب به ایران» بود، هدف حمله قرار گرفت. دیده‌بان حقوق بشر سوریه می‌افزاید که این ساختمان در حمله مذکور نابود شد و یک ایرانی و دو فرد غیرسوری دیگر در کنار او کشته شدند. گروه دیده‌بان حقوق بشر سوریه در لندن مستقر است و برای انتشار اخبار و اطلاعات خود به شبکه‌ای از گزارشگران مستقر در سوریه متکی است. گزارش‌های دیگری هم وجود دارد که تعدادی دیگر از افراد نیز در این حمله مجروح شده‌اند.

اسرائیل مطابق معمول هیچ اظهارنظری در مورد این حمله نکرده است، اما در طول سال‌های گذشته نیروهای اسرائیلی بارها اهدافی را در خاک سوریه بمباران کرده‌اند. روز پنجشنبه نیز دیده‌بان حقوق بشر سوریه گزارش داد اسرائیل در حمله‌ای دیگر یک عضو حزب‌الله لبنان را در حمله‌ای به سوریه در نزدیکی مرز لبنان به قتل رساند. ساعاتی پیش از این حمله نیز دیده‌بان حقوق بشر سوریه، گزارش حمله مشابهی را در همان نقطه داده بود. زینا خدر، خبرنگار الجزیره در بیروت، پایتخت لبنان، روز جمعه در گزارش خود گفت: «باز هم یک ترور هدفمند دیگر در سوریه و باز هم کشته شدن یک نیروی ایرانی دیگر سپاه پاسداران در سوریه. رسانه‌های ایرانی، اسرائیل را مسئول می‌دانند، اسرائیل معمولاً در مورد حملات اظهارنظر نمی‌کند اما پذیرفته است که تاکنون صدها حمله علیه اهداف ایرانی و اهداف منتسب به ایران در سال‌های اخیر انجام داده است.» خبرنگار الجزیره می‌گوید: «در هفته‌های اخیر ما شاهد حملات بیشتر و پشت سر هم بودیم که شباهت زیادی با هم داشتند. برای مثال در ماه دسامبر یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دمشق، پایتخت سوریه به قتل رسید.»

به گفته خبرنگار الجزیره، اسرائیل می‌داند که به حملات خود در سوریه ادامه می‌دهد، چرا که می‌گوید نمی‌خواهد ایران جای پای نظامی خود را در سوریه محکم کند اما از زمانی که جنگ اسرائیل علیه غزه در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، استراتژی اسرائیل هم تغییر کرده است. این خبرنگار الجزیره می‌گوید: «حالا اسرائیل دنبال هدف قرار دادن اهداف بلندپایه‌تر است.» این خبرنگار می‌گوید: «رضا زارعی، مردی که در بانیا کشته شد، مسئول حمل و نقل نفت ایران به سوریه بود. به گفته تحلیل‌گران، اسرائیل تلاش می‌کند تا اهداف بلندپایه را هدف قرار دهد تا بتواند ارتباط فرماندهی تهران را با بازیگران میدانی منتسب به ایران در خاک سوریه قطع کند.» خبرنگاری روتترز ماه فوریه گزارش داده بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعزام نیروهای بلندپایه خود را به سوریه به دلیل نگرانی نسبت به حملات مریگر اسرائیل متوقف کرده است و بیش از پیش به شبه‌نظامیان متحدش برای حفظ جایگاهش در خاک سوریه تکیه می‌کند.



سیاست خارجی قربانی رقابت داخلی

آیا جمهوری اسلامی ایران برای ورود به نظام آینده جهان آمادگی دارد؟

است. در واقع این دعوا نشان می‌دهد که یک راهبرد مشخص و معین در کشور وجود ندارد که همه نهادها و بازیگران مؤثر در سیاست خارجی کشور براساس آن با وحدت رویه عمل کنند.

چه کسی مسئول تدوین راهبردهای سیاست خارجی است؟

در مجموعه نظام حکمرانی جمهوری اسلامی، به صورت مشخص مسئولیت تدوین سند راهبردی سیاست خارجی بر عهده نهادی قرار داده نشده است. براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی، مسئولیت تعیین سیاست‌های کلی نظام بر عهده رهبری است. در بند یک این اصل یکی از وظایف رهبری «تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام» تعیین شده است. ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید: «براساس قانون اساسی در سیاست خارجی چارچوب کلی و خط مشی اصلی را رهبری می‌دهند و بر اجرای آن نظارت هم می‌کنند.» در این چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴ کشور براساس سیاست‌های کلی تعیین شده توسط رهبری، از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد که برخی راهبردهای سیاست خارجی نیز در آن در نظر گرفته شده بود. اجرای این سند در حوزه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی با چالش‌های زیادی مواجه شد و عملاً کارشناسان معتقدند که اجرای آن ناموفق بود.

نهاد دیگری که مسئولیت سیاست‌گذاری در حوزه امنیت ملی و سیاست خارجی را دارد، شورایی امنیت ملی است. شورایی امنیت ملی در طول دو دهه گذشته مسئولیت اصلی هماهنگی بین نهادها در خصوص مذاکرات هسته‌ای را برعهده داشت و حتی تا سال ۱۳۹۲ مسئولیت مستقیم مذاکرات هسته‌ای، به جای وزیر امور خارجه بر عهده دبیر شورایی امنیت ملی بود. ابراهیم رحیم‌پور، معاون پیشین وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید: «مسئولیت جمع‌بندی برای سیاست‌گذاری‌های کلان برای سیاست خارجی بر عهده دبیرخانه شورایی امنیت ملی است. وزارت امور خارجه به صورت مورد به مورد پرونده به پرونده، ارزیابی‌ها و پیشنهادهای خود را تدوین می‌کند و در شورایی امنیت ملی نهادهایی غیر از وزارت خارجه هم نظر می‌دهند، موضوع‌ها چکش کاری می‌شود و توسط دبیرخانه به اسناد بالادستی تبدیل می‌شوند. تا جایی که من اطلاع دارم در برخی پرونده‌ها نتیجه کار برای رهبری ارسال می‌شود و نظرات ایشان هم اخذ می‌شود.»

این مقام پیشین وزارت امور خارجه با اشاره به اینکه تاکنون سند جامعی در خصوص استراتژی سیاست خارجی کشور توسط دبیرخانه شورایی امنیت ملی تصویب نشده است، می‌گوید: «در برهه‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی، استراتژی‌های مختلفی در دبیرخانه شورایی امنیت ملی به

حوزه سیاست خارجی مطرح کرده‌اند اما هرگز راهبرد واحدی که همه نهادها و بازیگران مؤثر در سیاست خارجی موظف به پیروی از آن باشند، در دولت‌های مختلف پس از انقلاب وجود نداشته است. در طول چهار دهه گذشته نه تنها با تغییر رؤسای جمهور و وزرای خارجه رویکرد سیاست خارجی کشور چرخش‌های ۱۸۰ درجه نشان داده است، بلکه حتی زمانی که یک دولت رویکرد مشخصی را در پیش می‌گیرد، نهادها و بازیگران دیگری که در سیاست خارجی نقش دارند، ممکن است در رقابت با دولت وارد عمل شوند و حتی در اجرای اهداف سیاست خارجی سنگ‌اندازی کنند. این رقابت‌های مخرب سیاسی در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی کاملاً مشهود بود. حسن روحانی، اردیبهشت سال ۱۳۹۶ در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری با اشاره به آزمایش موشک‌هایی همزمان با امضای توافق هسته‌ای ایران و ۶ قدرت جهانی که روی آنها شعار مرگ بر اسرائیل نوشته شده بود، گفت: «برخی آمدند و تصویری از شهرهای زیرزمینی نشان دادند که برجام را برهم بزنند، روی موشک شعارهایی نوشتند تا برجام را برهم بزنند.» روحانی بعد از کنار رفتن از مقام ریاست جمهوری هم بارها تلویحاً به تصویب قانون اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها توسط مجلس اعتراض و تأکید کرد که تصویب این قانون مانع احیای برجام شده است. اظهارات روحانی نشان می‌دهد که در طول دوران ریاست جمهوری او یک خط مشی واحد میان نهادها و مختلف کشور در سیاست خارجی وجود نداشته است. بسیاری از تحلیل‌گران تصویب قانون اقدام راهبردی را توسط مجلس اصول‌گرا در سال پایانی ریاست جمهوری روحانی و همزمان با انتخاب دولت جو بایدن در آمریکا یک اقدام با اهداف سیاسی در داخل کشور ارزیابی می‌کردند که با هدف جلوگیری از توفیق دولت روحانی در احیای برجام و تقویت جایگاه اصول‌گرایان در انتخابات ریاست جمهوری انجام شد. گرچه بانیا «قانون اقدام راهبردی برای رفع تحریم‌ها» مدعی بودند که این قانون نه با هدف جلوگیری از احیای برجام بلکه با هدف تسریع رفع تحریم‌ها تصویب شده است، اما در پی سه سال از تصویب این قانون، همچنان مذاکراتی که دولت سیزدهم آن را «مذاکرات رفع تحریم‌ها» نامید، متوقف باقی مانده است.

نمونه دیگر از تعارض منافع سیاسی داخلی که سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار داده بود، در اظهارات محمدجواد ظریف مشهود بود. گفت‌وگوی درز کرده محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی ایران با سعید لیلاز، همچنان دستاویز رقابت‌های سیاسی داخلی است و مسئله تعارض میدان و دیپلماسی به یکی از دعوای عمده جناحی در کشور تبدیل شده است. موضوعی که در این دعوا مغفول مانده است، این است که بدون توجه به اینکه کدام سوی این دعوا محق باشد، چالش اصلی سیاست خارجی کشور وجود چنین تعارضی میان نهادهای نظامی و دستگاه دیپلماسی



ابراهیم رحیم‌پور
معاون پیشین وزیر
امور خارجه:

واقعیتی که در مورد سیاست خارجی ایران وجود دارد، این است که با طراحی‌های ما با حواصت و اتفاقات یا تغییر صلاحیت مسئولان ارشد کشور، به سادگی دچار تغییر می‌شود. هیچ‌گاه اسناد راهبردی برای همه مقام‌های لازم‌الاتباع تلقی نشده است

شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی



چندین سال است که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران نوید تغییر در نظم جهانی و عبور از نظام تک‌قطبی به سرکردگی آمریکا به یک نظام چندقطبی را می‌دهند. اوایل شهریورماه سال جاری، سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور اسلامی ایران در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت: «ما در یک دوره سرنوشت‌ساز تاریخی قرار گرفته‌ایم. جهان در حال تغییر و گذار به نظم بین‌المللی نو ظهور است و این مسیر غیرقابل بازگشت است.» رئیسی با اظهار امیدواری برای اینکه نظم «جدید و عادلانه بر جهان حاکم شود»، ویژگی‌های نظم جدید مطلوب جمهوری اسلامی ایران را اینگونه تشریح کرد: «آنچه برای نظم بین‌المللی جدید کلیدی است، کنار گذاشتن سلطه جهانی و جایگزینی آن با نظم‌ها و همکاری‌های منطقه‌ای است.»

ایده تحول در نظام بین‌الملل موضوعی نیست که فقط مختص به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران باشد؛ بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران علوم سیاسی و ژئوپلیتیک نیز تأکید می‌کنند که نظام جهانی که بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد یک دوره گذار تک‌قطبی شد، اکنون در مرحله تحولی جدید است. سوال اینجاست که جمهوری اسلامی ایران برای ورود به نظم جدید جهانی چه برنامه‌ای دارد؟ آیا ایران آمادگی دارد که به یک بازیگر مؤثر در نظام آینده جهان تبدیل شود؟ برنامه‌های ایران چیست؟ ایران چه دکتیرینی برای ورود به نظم جدید جهانی انتخاب کرده است؟ سوگیری ایران در نظام آینده به سمت کدام قدرت بالقوه خواهد بود؟ تهران جبهه شرق را انتخاب می‌کند یا امیدوار به قدرت گرفتن نهادهای چندجانبه است یا یک اتحاد منطقه‌ای را ابزار اعمال قدرت مؤثر در جهان آینده می‌داند؟ برنامه هسته‌ای ایران چه نقشی در جایگاه ایران در نظام آینده جهان خواهد داشت؟ اینها سوال‌هایی است که «هم‌میهن» در قالب سلسله گزارش‌هایی در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به آن خواهد پرداخت. در این قسمت بررسی کرده‌ایم که آیا ایران راهبرد و استراتژی معین و مدونی برای ورود به نظم آینده جهانی دارد؟

یکی از چالش‌های سیاست خارجی در نظام جمهوری اسلامی، فقدان اسناد بالادستی برای هدایت و سیاست‌گذاری سیاست خارجی کشور است. هر چند مقام‌های دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی همواره شعارهای مختلفی در

بخش
اول